فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۵۰-۱۳۱

تأثیر فساد بر کسری بودجه

پروانه سلاطین
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه، گروه اقتصاد، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)
p_salatin@iauec.ac.ir

نیلوفر غفاری‌صومعه
گروه صنایع، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Niloufar.ghaffari.s@gmail.com

فساد مالی یک پدیده پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در شرایط مختلف نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. دامنه فساد مالی از یک عمل فردی پرداخت رشوه تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، گسترده است. فساد مالی گاهی به‌عنوان یک معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به‌عنوان یک مسئله فرهنگی و اخلاقی تلقی می‌گردد. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی ارتباط تئوریک و میزان تأثیرگذاری کنترل فساد بر کسری بودجه در گروه کشورهای درآمد متوسط می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم‌یافته درگروه کشورهای منتخب در دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۲) نشان می‌دهد کنترل فساد تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.

طبقه‌بندی JEL: C23, D73, H68.
واژه‌های کلیدی: کنترل فساد، کسری بودجه، اثرات ثابت، گشتاور تعمیم‌یافته.

۱. مقدمه

بانک جهانی فساد مالی را سوءاستفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به‌منظور تأمین منافع شخصی تعریف می‌کند. از تعریف مذکور نباید چنین برداشت کرد که فساد مالی مربوط به بخش دولتی است. در مواردی از فعالیت‌های بخش خصوصی که دولت آن‌ها را تنظیم و کنترل می‌کند

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۴

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

نیز فساد مالی وجود دارد (رهبر و همکاران، ۱۳۸۱). این نکته توسط آکرمن (۱۹۷۸) نیز مورد تأکید قرار گرفته است که فساد مالی در نهان و در رگ‌وپوست بخش‌های عمومی و خصوصی وجود دارد.

امروزه این نکته که فساد هزینه‌های سنگینی برای توسعه اقتصادی دارد، پذیرفته شده است. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد در کشورهای گوناگون، سطوح بالاتر فساد با رشد کمتر و درآمد سرانه پایین‌تر پیوند دارد. فساد همچون نیرویی است که به کارکرد درست مکانیزم بازارها آسیب می‌رساند. آسیب‌های فساد در سه حوزه فساد به‌عنوان مالیات، فساد به‌عنوان مانعی برای ورود به بازار، فساد به‌عنوان عاملی برای از میان بردن مشروعیت دولت و کاهش توانایی دولت در برپا کردن نهادهای پشتیبان بازار رخ می‌دهد. فساد را می‌توان گونه‌ای مالیات دانست که موجب نابه‌سامانی در گزینش میان فعالیت‌ها و بازده پایین‌تر برای سرمایه‌گذاری خصوصی و همگانی می‌شود. اما فساد آثاری بسیار ویران‌کننده‌تر از مالیات دارد؛ زیرا درآمدهای برآمده از آن برای فعالیت‌های اجتماعی سودآور به بودجه دولت کمکی نمی‌کند. گذشته از آن چون فساد قانونی نیست، بنابراین اطمینان کمتری در اینگونه مالیات‌ها وجود دارد که سبب پرهزینه شدن مالیات برگرفته از فساد می‌شود (دادگر و نظری، ۱۳۸۸).

ماهیت پیچیده فساد اکثر ناظران را متقاعد ساخته که برای درمان این پدیده که در بسیاری از جوامع شایع است، هیچ راه‌حل فوری و مشخصی وجود ندارد. در کتاب "مرجع سازمان بین‌المللی شفافیت بین‌المللی"[1] آمده که برنامه‌های عمومی، سازماندهی دولت، نیروهای انتظامی، آگاهی عمومی و ایجاد نهادهایی برای پیشگیری از فساد مالی، عناصری از یک فرایند بلندمدت هستند که به حمایت از بالا و پایین از سوی حکومت و جامعه نیاز دارند. همچنین بر این نکته پافشاری شده که فساد مالی با توسعه‌یافتگی و مدرنیزه شدن کشورها ناپدید نمی‌شود، بلکه شکل و نمود جدیدی می‌یابد (اندوینگ، ۲۰۰۰).

اقسام مختلف فساد بیشتر در روابط شهروندان با دولت است. وقوع این فساد منوط به دو عامل انگیزه و فرصت است. انگیزه یا از درون شخص سرچشمه می‌گیرد یا عوامل درونی یا محیطی چنین انگیزشی را در فرد ایجاد می‌نمایند. عامل مهم دیگر فرصت است که برای ارتکاب عمل

1. Transparency International

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

متقلبانه و تحصیل مال نامشروع می‌بایست موقعیت برای مرتکب مهیا باشد. این فرصت می‌تواند در ضمن یک سال برای مرتکب ایجاد گردد یا این‌که در مدت زمان فعالیت شغلی خود در سنوات مختلف ایجاد گردد (قنبری، ۱۳۹۳).

علل فساد متفاوتند و باید در زمینه‌های خاص شناخته و مطالعه شوند. فساد به‌طور دقیق، اما نه به‌تنهایی، مربوط به اختیارمندی یا صلاحدید مقامات درباره رانت (ویژه‌خواری) و درجه حسابدهی در اجرای این اختیارمندی است. نبود دستورالعمل‌های روشن حاکم بر بخش عمومی و نیز آیین‌نامه‌های آن‌ها حفره‌هایی را برای افراد یا شرکت‌ها برای دریافت مزایا از دولت که مستحق دریافت آن نیستند، ایجاد می‌کند. اجرای قانونی ضعیف و نظم مرتبط با مالکیت کسب‌وکارها فساد را تشویق می‌کند. احتمال وقوع فساد مالی نیز با بیش‌بزرگنمایی خط قرمز دیوانسالاری (ضوابط دست‌وپاگیر) بیشتر می‌شود.

اگر رهبران سیاسی و دیوانسالاران عالی‌مقام به‌عنوان الگوها یا اسوه‌های ثروت‌اندوزی یا هنجارشکن و ضد اخلاق عمومی شناخته شوند، مقامات سطح پایین‌تر و اعضای جامعه نیز ممکن است از آنان پیروی کنند. به این ترتیب، حتی در صورت وجود قوانین رسمی به‌منظور پشتیبانی از حاکمیت واضح و روشن، رشوه‌خواری و فساد به یک هنجار تبدیل می‌شود. به‌خاطر نقش عمده دولت در بیشتر اقتصادهای در حال توسعه، فرصت‌های فساد، اغلب بی‌شمار است (پوریانسب، ۱۳۹۲).

در این راستا، این مقاله در قالب داده‌های پانل ایستا (SPD)[1] و پانل پویا (DPD)[2] به بررسی چگونگی و میزان تأثیرگذاری کنترل فساد[3] بر کسری بودجه در گروه کشورهای درآمد متوسط در دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۲) و آزمون فرضیه زیر می‌پردازد:

- میان کنترل فساد و کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از گزارشات و آمارهای منتشر شده منابع اطلاعاتی خارجی و سایت‌های اینترنتی از جمله WDI[4] به نشانی سایت بانک جهانی و جامعه

1. Static Panel Data
2. Dynamic Panel Data
3. Control of Corruption
4. World Development Indicator

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

آماری این مطالعه منتخبی از کشورهای دارای درآمد متوسط می‌باشند. لازم به ذکر است در انتخاب کشورهای کشورهایی برگزیده شده‌اند که داده‌های آماری متغیرهای مورد استفاده در این مقاله در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس بود.

گروه کشورهای منتخب آلبانی، الجزایر، بلیز، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری دومنیکن،[1] اکوادور، فیجی، گرانادا،[2] مجارستان، اردن، قزاقستان، مقدونیه، مالزی، مکزیک، پاناما، پرو، رومانی، صربستان، آفریقای‌جنوبی، تایلند، دومینیکا،[3] تونس، ترکیه و ایران می‌باشند. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می‌شود و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردند.

۲. مبانی نظری

اهمیت بودجه به موازات اهمیت و نقش دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی تغییر و تکامل یافته است. این نقش تا پیش از جنگ جهانی محدود به وظایفی بود، اما پس از جنگ جهانی اول و درگیر شدن با خرابی‌ها، وظایف دولت‌ها در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی ملموس‌تر شد و نقش تازه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی به دولت محول گردید. علاوه بر جنگ، بروز بحران‌های بزرگ از قبیل بحران ۱۹۲۹ در این فرایند تکاملی نقش مؤثری داشته است. در همین سال‌ها نظرات کینز و پیروان او منجر به توصیه دخالت دولت در امور اقتصادی و ارشاد و رهبری اقتصاد توسط آن گردید. با گسترش این دخالت‌ها و زیاد شدن فعالیت‌های آن حجم مخارج گسترش یافته و بخش زیادی از درآمد ملی را دولت‌ها به خود اختصاص دادند (ثنائیان، ۱۳۸۹). در این میان تأثیر فساد مالی بر کسری بودجه مورد توجه جدی است.

کلمه فساد از ریشه لاتینی (Rumpere) به‌معنای شکستن یا نقض کردن است و آنچه که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند یک شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی یا مقررات اداری باشد. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباهی، گزند و زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است (زاهدی، ۱۳۷۵).

1. Dominica Republic
2. Grenada
3. Dominica

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

مشکل فساد در برآیند کارکرد در بخش عمومی و خصوصی است. منافع خصوصی اعم از داخلی یا خارجی از طریق اعمال نفوذ به طریق غیرقانونی از فرصت‌های موجود برای فسادانگیزی و رانت و رانت‌طلبی استفاده کرده و نهادهای عمومی نیز تسلیم این منافع و سایر فسادهایی می‌شوند که عامل بازدارنده نامطمئنی در مقابل آن‌ها وجود ندارد. فساد به صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شود:

۲-۱. فساد مالی کلان

این نوع فساد در مقام فسادی تعریف می‌شود که سران دولت، وزرا یا دیگر مقامات ارشد دولت مرتکب می‌شوند و به‌عنوان یک عنصر مجرمانه در خدمت منافع یک گروه محدود از صاحبان کسب‌وکار و سیاستمداران است.

۲-۲. فساد سیاسی

فساد سیاسی، قانونگذاران (فرماندهان، دیکتاتورها) را درگیر می‌کند. چنین مقاماتی زمانی درگیر فساد مالی می‌شوند که در پی رشوه و پاداش‌های دیگر برای منافع سیاسی یا شخصیتشان در جهت نفع رساندن به حامیانشان با هزینه کردن از منافع عمومی هستند.

۲-۳. فساد شرکتی

این نوع فساد در روابط بین شرکت‌های انتفاعی خصوصی و تأمین‌کنندگان یا مشتریان رخ می‌دهد. این فساد در شرکت‌های سهامی بزرگ زمانی رخ می‌دهد که مقامات شرکت از منابع شرکت برای به‌دست آوردن نفع شخصی، به هزینه سهامداران استفاده می‌کنند.

۲-۴. فساد اداری

فساد اداری شامل استفاده از رشوه و پارتی‌بازی است تا امکان کاهش مالیات، فرار از ضوابط، یا برنده شدن درقراردادهای خرید کوچک را برای کسب‌وکارهای شخصی خاص فراهم کند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

۲-۵. فساد خرد

این نوع فساد شامل پرداخت مقدار نسبتاً کمی از پول برای تسهیل تراکنش‌های رسمی مانند ترخیص کالا از گمرک یا صدور گواهینامه‌های ساختمان است.

۲-۶. فساد سامانمند (سیستم)

نوعی از فساد است که در تمام سطوح جامعه شایع است (پوریانسب، ۱۳۹۲)

بانک جهانی فساد را سوءاستفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به‌منظور تأمین منافع شخصی تعریف می‌کند. از تعریف مذکور نباید چنین برداشت کرد که فساد مختص بخش دولتی است. در مواردی از فعالیت‌های بخش خصوصی که دولت آن‌ها را تنظیم و کنترل می‌کند نیز فساد وجود دارد (رهبر و همکاران، ۱۳۸۱).

بانک جهانی فساد را در زمره بزرگترین موانع در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی دسته‌بندی کرده است. فساد از طریق تخریب حکومت قانون و تضعیف بنیاد قانونی که رشد اقتصادی به آن وابسته است، مانع توسعه می‌شود.

تأثیرات مخرب فساد به‌ویژه بر سر تهیدستانی آوار می‌شود که بیشترین آسیب را از افول اقتصادی می‌بینند و بیشترین وابستگی را به ارائه خدمات عمومی دارند و از کمترین توانایی برای پرداخت هزینه اضافی برای رشوه، کلاهبرداری و بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی برخوردارند. برای کاستن از تأثیر فساد به‌صورتی مداوم، باید در برخورد با عوامل فساد فراتر از نشانه‌ها رفت. از سال ۱۹۹۶ بانک جهانی از بیش از ۶۰۰ برنامه ضد فساد و ابتکار دولتی که توسط کشورهای عضو ارائه‌شده، حمایت کرده است. فساد موجب تخریب سیاست‌ها و برنامه‌هایی می‌شود که هدف آن کاهش فقر است (سایت بانک جهانی).

فساد موجب از بین رفتن انگیزه می‌شود. افراد توانمند و خلاق ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و مؤثر روی آورند. فساد موجب کاهش یا اختلال در نقش دولت مانند اجرای قراردادها، حمایت از حقوق مالکیت و ... می‌شود. زمانی‌که افراد خارج از تعهد خود عمل کنند یا عملی غیر از آنچه در قراردادها ذکر شده است، انجام دهند یا به‌دلیل وجود فساد از حقوق مالکیت خود سوءاستفاده کنند، در واقع یکی از نقش‌های اصلی دولت مخدوش شده است و این مسئله

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

بر رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و بودجه تأثیر خواهد داشت. فساد، بهره‌وری مخارج عمومی را کاهش می‌دهد و به ایجاد پروژه‌هایی منجر می‌شود که با معیارهای مورد نظر برای انتخاب سرمایه‌گذاری مانند تحلیل فایده – هزینه، مطابقت ندارد. در این راستا با افزایش کنترل فساد، درآمدهای مالیاتی و همچنین هزینه‌های دولتی افزایش می‌یابد و با توجه به این‌که میزان افزایش درآمدهای مالیاتی بر میزان افزایش هزینه‌های دولتی یا بالعکس غلبه کند رابطه کنترل فساد و کسری بودجه مثبت یا منفی خواهد شد.

۳. پیشینه پژوهش

کفروناک و السن (۱۹۹۶) و کرچاسنر (۲۰۰۱)پیوند شدید میان متغیرهای سیاسی و کسری بودجه را نشان می‌دهند. همچنین رشد بدهی‌ها رابطه منفی قوی با بودجه دارد. کشورهایی با حکومت‌های مستبد کسری‌های بودجه انباشته را بیشتر از کشورهای دموکراتیک تجربه می‌کنند.

اوستروم و آه (۲۰۰۳) به تأثیر غیرمستقیم دموکراسی مشارکتی در کاهش کسری بودجه پرداخته‌اند. از جمله شاخص‌های دموکراسی مشارکتی نهادهای خودمدیریتی هستند که اساساً تابع اداره شاغلین یک واحد تولیدی و اقتصادی می‌باشند. دغدغه این نهادها ساماندهی بهینه امور مربوط به یک واحد اقتصادی است تا منافع شاغلین خود را تأمین نماید. از این دیدگاه مستحکم‌ترین سنگر دفاع از دموکراسی مشارکتی، وجود همین نهادهاست. طبیعی است که اجتناب از نخبه‌سالاری و معمول داشتن گسترده‌ترین مکانیزم‌های دموکراتیک جهت ایجاد بهترین شرایط یک دخالت مستقیم و بی‌واسطه آحاد نیروی کار هدایت و مدیریت درونی نهادهای خودمدیریتی محل کار، شرط تعهد و دفاع از هستی نظام دموکراسی مشارکتی است. دموکراسی مشارکتی تأثیر مثبتی بر کاهش کسری بودجه بر مبنای واقعیت داشته است.

کناک و کیفر (۲۰۰۳)، کلاگیو (۱۹۹۷)، آلسینا (۱۹۹۸)، کناک (۲۰۰۳)، از دیگر محققانی هستند که ارتباط میان ساختارهای حکمرانی،کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند بهبود حاکمیت قانون و کنترل فساد، اثراتی مستقیم، هم بر توسعه اقتصادی و هم بر توسعه انسانی خواهد داشت.

اسشوگورنسکی (۲۰۰۴) نشان داده است اصول حقوقی دموکراتیک، شفافیت زیاد دولت‌ها و شهروندان فعال از معیارهای بودجه مشارکتی است. افزایش اعتماد سبب تولید بودجه‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

مشارکتی شده است. اعتماد متقابل بین دولت و شهروندان از طریق نهادهایی که مستقل عمل کنند، در نهایت تعادل بودجه را ایجاد می‌کند.

آلسینا و همکاران (۲۰۰۴) نشان داده‌اند همان‌طور که درجه آزادی سیاسی بر کسری بودجه اثرگذار است، کسری بودجه هم می‌تواند تهدیدی برای آزادی اقتصادی باشد. پوشش دادن هزینه‌ها که منجر به افزایش بدهی‌های شده است برای سیاستگذاران راهی به‌جز فشار بر مؤدی جهت پرداخت مالیات باقی نمی‌گذارد، در نتیجه اثر کسری بودجه بر درجه آزادی اقتصادی نیز امکان‌پذیر است.

فاگبادبو (۲۰۰۷) در مطالعه خود تحت عنوان "فساد، حکمرانی و بی‌ثباتی سیاسی در نیجریه" تشریح نمود دولت نیجریه گرفتار سطح بالای فساد دستگاه‌های دولتی است؛ شرایط سیاسی-اجتماعی ناملایم عملکرد توسعه و پیشرفت نیجریه را به تأخیر انداخته است. رهبران سیاسی با بحران مشروعیت و مردمان این کشور با تبعیض نژادی مواجهند. پاسخگویی ضعیف مقامات دولتی و عدم شفاف‌سازی درآمدهای نفتی، فقر بیشتر مردمان این کشور را به همراه داشته است. از این‌رو وی معتقد است به‌منظور شکستن این سیکل، پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی در این کشور باید ایجاد شود.

حسامی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "ترکیب بودجه، فساد و تدارکات عمومی: نظریه و شواهد از کشورهای OECD" به بررسی رابطه میان فساد و هزینه‌های دولتی پرداخته است. تخصیص هزینه‌های عمومی توسط تکنولوژی بالای محصولات عرضه‌شده از طریق صنایع غیررسمی با شاخص مشاهده فساد ارائه‌شده توسط سازمان شفافیت بین‌المللی متفاوت است. نتایج مربوط به ۲۹ کشور OECD در دوره زمانی (۲۰۰۹-۱۹۹۶) نشان می‌دهد فساد در کشورهای درآمد پایین، بیشتر است.

دژوماشف (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان "فساد و رشد: نقش دولت، هزینه‌های عمومی و توسعه اقتصادی" به تحلیل چگونگی کیفیت حکومت، بر اساس هزینه‌های عمومی و توسعه اقتصادی و همچنین تأثیر رابطه بین فساد اداری و رشد اقتصادی می‌پردازد. تجزیه‌وتحلیل نشان می‌دهد تعامل بین فساد و حکومت در شکل‌گیری بهره‌وری از هزینه‌های عمومی که به نوبه خود، تعیین اثرات رشد فساد است مؤثر می‌باشد. به‌طور خاص توسعه اقتصادی بروز فساد را کاهش می‌دهد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

تیمونز و گارفیس (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان "رابطه میان فساد، مالیات و پاسخگویی مالی: مدارک و شواهد از کشور برزیل" به بررسی پاسخگویی نظریه قرارداد مالی بر عملکرد دولت و نهادها در جمع‌آوری مالیات می‌پردازند. با استفاده از گزارش حسابرسی شهرداری‌های کشور برزیل به این مسئله می‌پردازند که آیا اطلاعات جدید در مورد فساد در ساختار نهادهای مالی و اموال شهرداری‌ها، جمع‌آوری مالیات تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ اثرات کوتاه‌مدت این نظریه افزایش درآمد مالیات بر دارایی را نشان می‌دهد. فساد علاوه‌بر نشان دادن احتمال افزایش تصویب بودجه مشارکتی شهرداری، محدودیت تقاضا بر مالیات و مؤسسات بودجه را نشان می‌دهد.

کریمی‌پتانلار و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان "اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت" اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت را به همراه سایر عوامل مورد توجه قرار می‌دهند. در این راستا با استفاده از یک پانل، شامل اطلاعات آماری سال‌های (۲۰۰۷-۲۰۰۰) در ۳۱ کشور منتخب درحال‌توسعه، ابتدا به بررسی مانایی متغیرها و وجود رابطه بلندمدت بین آن‌ها پرداخته و سپس با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی، اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت را بررسی کرده است. نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها حاکی از آن است که فساد مالی ترکیب مخارج دولت را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌طوری‌که در پی کاهش فساد مالی، سهم نسبی مخارج جاری، مخارج سرمایه انسانی و مخارج آموزشی و بهداشتی در تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. همچنین از سهم نسبی مخارج نظامی و مخارج سرمایه‌ای در تولید ناخالص داخلی کاسته می‌شود.

صادقی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان "اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی" ضمن بیان چگونگی مدلسازی روابط اقتصادی، الگوریتم جدیدی برای سنجش فساد در ایران معرفی می‌کنند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد - با فرض آن‌که حجم اقتصاد زیرزمینی و شاخص واقعی دستمزد مهم‌ترین عوامل اقتصادی پدیده فساد باشند- روند شاخص فازی فساد ایران در فاصله سال‌ها (۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸) با شاخص عددی حدود ۰/۷ بیشترین مقدار را داشته که طی دوره (۱۳۵۳-۱۳۴۸) کاهش یافته است. در فاصله سال‌های (۱۳۵۳-۱۳۴۸) و همچنین از سال ۱۳۷۳ به بعد روند صعودی است. پس از انقلاب

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی شاخص عددی از پایداری نسبی برخوردار بوده و بین ۰/۳ تا ۰/۵ نوسان داشته است. از جنگ تحمیلی نیز روند افزایشی شاخص فازی فساد مشاهده می‌شود.

سامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه "بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی" ابتدا به تشریح عوامل مؤثر بر فساد مالی پرداخته و مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی را بررسی می‌کنند. سپس با استفاده از سه مدل، به بررسی اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر فساد مالی می‌پردازند. این مدل‌ها با رویکرد پانل‌دیتا برای ۷۳ کشور طی چهار سال (۲۰۰۳-۲۰۰۰) برآورد شده است. نتایج بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی‌معنای دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است.

۴. تصریح مدل و برآورد

در این مقاله با استفاده از مطالعات کفروناک و السن (۱۹۹۶) و کرچااسنر (۲۰۰۱) و با توجه به متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر کسری بودجه برای بررسی میزان تأثیرگذاری کنترل فساد بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط با تعدیلاتی از معادله (۱) استفاده شده است. در این راستا بانک جهانی با کمک از انواع سازمان‌ها، از جمله نهادهای تجاری درجه‌بندی ریسک، سازمان‌های چندجانبه، مؤسسات پژوهشی و سایر سازمان‌های غیر دولتی، کنترل فساد[1] را در کشورهای مختلف جهان با استفاده از متدلوژی ترکیبات مشاهده نشده استاندارد[2] با تقریب و خطا تخمین زده است. آخرین تخمین مربوط به سال ۲۰۱۳ می‌باشد که در آن شاخص مذکور هر دو سال یک‌بار در دوره زمانی (۲۰۰۲-۱۹۹۶) و سالانه از ۲۰۰۲ به بعد تخمین زده شده است (کافمن و همکاران، ۲۰۰۸-۲۰۰۲).

میزان شیوع فساد، گسترش روابط فامیلی و استفاده از قدرت به نفع دوستان در بین اعضای کابینه و سایر شخصیت‌های تراز اول و همچنین در بین مدیران رده‌بالا و رده‌میانی، اثرات زیان‌باری که فساد سیستم سیاسی بر انحرافات محیط اقتصادی و مالی و در نتیجه کارایی دولت خواهد داشت، گسترش کاغذبازی در دیوان‌سالاری‌ها که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند،

1. Control of Corruption
2. Standard Unobserved Components Models

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیشبرد کارها، پرداخت‌هایی که برای تأثیر بر فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شوند، عدم اعتماد عمومی به درستکاری مالی سیاستمداران، پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی و همچنین فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، استفاده سیاستمداران از بودجه عمومی و در نهایت پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد با نفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد از جمله عوامل مهمی هستند که توسط بانک جهانی در ساخت این شاخص (کنترل فساد) به‌کار گرفته می‌شوند.

$$BD_{it}=\beta_0+\beta_1 CC_{it}+\beta_2 IN_{it}+\beta_3 LSV_{it}+\beta_4 OPENCU_{it}+\beta_5 LGDPCU_{it}+U_{it} \qquad (۱)$$

در این معادله BD[1]، کسری بودجه[2]،IN، نرخ تورم[3]،LSV[4]، لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه به‌عنوان شاخص سرمایه انسانی، OPENCU[5]، مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده درجه آزادی اقتصادی، CC[6]، کنترل فساد،[7] LGDPCU، لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی، U[8] جمله خطای معادله و t،i نشان‌دهنده کشور و زمان می‌باشند.

به‌منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه‌شده در جدول (۱) با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد فرضیه صفر آزمون مبنی‌بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد

1. Budget Deficit
2. Budget Deficit = Tax Revenue (% of GDP) -General Government Final Consumption Expenditure (% of GDP)
3. Inflation
4. Secondary Education, Vocational Pupils
5. Open Economy
6. Open Economy =((Imports of Goods and Services (Current US$)+ Exports of Goods and Services (Current US$))/ GDP (Current US$))
7. Control of Corruption
8. GDP (Constant 2005 US$)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون این‌که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم‌افزار Eviews 8 انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به‌دست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون درجدول (۱) فرضیه صفر مبنی‌بر استفاده از روش تصادفی رد می‌شود. از این‌رو اثرات ثابت برای تخمین مدل تأیید می‌شوند که نتایج مربوط به آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است. علاوه بر تخمین مدل با استفاده از تخمین‌زن‌های اثرات ثابت و تصادفی، مدل تجربی در این مقاله با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته و با تکیه بر مدل پانل‌پویا تخمین زده شده است. تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته در مطالعات تجربی اخیر، به‌ویژه مطالعات اقتصاد کلان و مالی به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این روش جهت تخمین مدل مزیت‌های فراوانی دارد. برای مثال بک، لوین و لویاز[1] استفاده از این تخمین‌زن را جهت برطرف کردن واریانس داده‌های سری‌زمانی بسیار مناسب می‌دانند. تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته با محاسبه تأخیرهای ویژه فردی مشاهده‌نشده[2] در مدل (که به‌صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به‌عنوان متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود) کنترل بهتری بر درون‌زایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کنند. نتایج برآورد معادله (۱) با استفاده از برآوردگر گشتاوردهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در جدول (۱) ارائه شده است.

1. Lyon and Louise
2. Individual Specific Effects

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

جدول ۱. نتایج برآورد تأثیر کنترل فساد بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط

(متغیر وابسته: کسری بودجه)

متغیرهای توضیحی	روش اثرات ثابت	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته
	ضرایب $(P-\nabla value)$	ضرایب $(P-\nabla value)$
IN	۰/۱۴۲۹۱۰ (۰/۰۰۳۹)	۰/۱۳۱۱۶۸ (۰/۰۰۰۰)
LSV	۱/۳۴۲۶۷۴ (۰/۰۰۱۰)	۳/۴۸۱۵۳۳ (۰/۰۰۰۰)
OPENCU	۰/۶۳۹۶۲۶ (۰/۰۰۰۰)	۲/۱۳۵۹۶۱ (۰/۰۴۲۸)
LGDPCU	۳/۴۵۳۶۳۷ (۰/۰۰۰۰)	۳/۲۵۹۴۳۵ (۰/۰۰۰۰)
CC	۳/۹۱۵۹۴۱ (۰/۰۰۰۰)	۸/۱۶۱۵۵۱ (۰/۰۰۰۰)
C	−۱۰۴/۱۹۰۸	−
BD (-1)	−	۰/۴۱۲۶۴۲ (۰/۰۰۰۰)
R^2	۰/۹۳۲۰۸۵	−
D-W	۰/۹۱۱۰۲۶	−
F_{test}	$F(۲۸/۲۴۳) = ۸/۶۷۴۵۳۵$ $P-value = [۰/۰۰۰۰]$	−
H_{test}	$CHISQ(۲۸) = ۱۹۰/۳۳۶۴۷۵$ $P-value = [۰/۰۰۰۰]$	−
J-Statistic		۱۶/۰۸۸۲۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

نتایج حاصل از برآورد معادله (۱) در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۲) در جدول (۱) نشان می‌دهد:

- کنترل فساد تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان کنترل فساد و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. فساد مالی موجب کاهش درآمدهای دولتی و افزایش هزینه‌های دولت می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد.
- تورم تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. گروهی تورم را عامل کارسازی در ایجاد پس‌انداز اجباری و تشویق سرمایه‌گذاری می‌دانند و بنابراین از سیاست‌های آگاهانه تورمی جانبداری می‌کنند و گروهی دیگر نه‌تنها چنین اثرات مثبتی در تورم نمی‌یابند، بلکه با تأکید بر پیامدهای جانبی تورم در بلندمدت آن را مانعی برای سرمایه‌گذاری مولد به‌شمار می‌آورند. به‌طور کلی تورم خزنده و ملایم بر سرمایه‌گذاری اثر مثبت دارد و تورم شدید و افسار گسیخته، سرمایه‌گذاری مولد را به‌شدت کاهش می‌دهد و گاه یکسره متوقف می‌کند. در شرایط تورمی ارزش مخارج دولتی (هزینه‌های جاری و عمرانی دولت) فزونی می‌یابد، در صورتی‌که درآمدهای مالیاتی دولت به همان میزان افزایش نمی‌یابد از این‌رو میان تورم و کسری بودجه رابطه مستقیمی وجود دارد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۱).
- درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. سیاست توسعه آزادی اقتصادی با ایجاد تقسیم کار و استفاده از مزیت‌ها وجود مقیاس وسیع‌تر اقتصادی برای کارایی اندازه بازار، ظرفیت بهره‌برداری بیشتر در صنایع، افزایش در نرخ تشکیل سرمایه و تغییر تکنولوژی، ایجاد رقابت در بازار بین‌المللی منجر به بازدهی کل عوامل تولید در سطحی بالاتر می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.
- لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. تمام تئوری‌های رشد اقتصادی درون‌زا بدون استثنا سعی داشتند تا با وارد کردن سرمایه انسانی در مدل رشد اقتصادی بازده غیرنزولی عوامل تولید قابل انباشت را اثبات کنند و بنابراین سرمایه انسانی در تئوری‌های رشد اقتصادی درون‌زا جزء لاینفک عامل رشد است. توجیه اصلی دخالت دادن سرمایه انسانی در مدل رشد اقتصادی این است که

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

با سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از یک‌سو کیفیت نیروی کار بهبود می‌یابد و موجب کارایی و بازدهی بیشتر نیروی کار می‌شود و به این ترتیب تولید و درآمدهای دولتی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی موجب ابداع طرح‌های نوین در تولید می‌شود و موجبات استفاده بهینه و مطلوب از منابع و سایر عوامل تولید را فراهم می‌سازد و از این طریق نیز ظرفیت تولیدی کل اقتصاد را افزایش می‌دهد و در نهایت به افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی وکاهش کسری بودجه کمک می‌کند. شواهد موجود در بیشتر کشورهای صنعتی مؤید این حقیقت است که میان سرمایه‌گذاری آموزشی نیروی انسانی و رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی وکسری بودجه ارتباط قوی وجود دارد.

- لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. با افزایش تولید، درآمدهای مالیاتی و هزینه‌های دولتی افزایش می‌یابد. حال با توجه به این‌که در گروه کشورهای منتخب در این پایان‌نامه تأثیر هزینه‌های دولتی از درآمدهای مالیاتی بیشتر بوده است، افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی موجب افزایش کسری بودجه شده است.
- مقدار ضریب تعیین در معادلات نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از تغییرات کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده‌اند.
- آماره آزمون سارگان[1] که از توزیع χ^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی‌بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به‌کار گرفته شده در تخمین مدل‌ها از اعتبار لازم برخوردار هستند، در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه فساد مالی و مبارزه با آن در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به‌عنوان یک مسئله اساسی مدنظر است. مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی‌گری‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود که شامل محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی و دستمزدهای پایین در خدمات دولتی- تجاری است.

1. Sargan Test

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

فساد مالی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشورها می‌شود. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری کنترل فساد بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط است. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت وگشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۲) نشان داد که کنترل فساد تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه درگروه کشورهای منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان کنترل فساد و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد.

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

- کاهش حجم و اندازه دولت و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت بیشتر بخش غیردولتی
- تلاش در جهت روشن‌سازی قوانین و رفع برداشت‌های شخصی از قوانین
- افزایش وظایف نظارتی دولت در جهت اجرای صحیح قوانین و کاهش وظایف اجرایی آن
- جهت کاهش فساد مالی می‌بایست:

- رانت‌ها را توسط آزادسازی اقتصادی، کاهش مقررات، ساده‌سازی قوانین مالیاتی، انحصارزدایی و تثبیت اقتصاد کلان کاهش داد.
- افزایش قابلیت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری با استفاده از روش‌های زیر:
  - تأسیس نهادهایی مانند واحدهای حسابرسی و حسابداری
  - اصلاحات قانونی نظیر تقویت قضایی
  - تشویق نظارت عمومی از طریق مجلس و جامعه مدنی هوشیارتر و حساس‌تر

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

منابع

پوریانسب، آیدا (۱۳۹۲)، "مفهوم فساد مالی: شکل‌ها، علت‌ها، انواع و پیامدها"، *مجله حسابدار*، شماره ۲۵۹.

ثنائیان ، مرتضی و محمدتقی ضیایی‌بیگدلی (۱۳۸۹)، *اثر شوک درآمد عمومی (مالیات‌ها و نفت‌وگاز) برکسری بودجه طی روند (۱۳۸۷-۱۳۸۱)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته مدیریت دولتی (گرایش مالی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

دادگر، یداله و یداله نظری (۱۳۸۸)، "بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان"، *مجله سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۲۶۴-۲۶۳.

رهبر، فرهاد؛ فضل‌اله، میرزاوند و غلامرضا زال‌پور (۱۳۸۱)، *بازشناسی عارضه فساد مالی*، جلد ۱، جهاد دانشگاهی: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۵)، "نگرشی بر فساد و آثار آن"، *دانش مدیریت*، دوره اول، شماره ۲.

سامتی، مرتضی؛ شهنازی، روح‌اله و زهرا دهقان‌شبانی (۱۳۸۵)، "بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۱۱۰-۸۹.

صادقی، حسین، عصاری، عباس و وحید شقاقی‌شهری (۱۳۸۸)،"اندازه‌گیری فساد مالی با استفاده از منطق فازی"، *فصلنامه اقتصادی*، سال ۱۰، شماره ۱۴.

صادقی، حسین؛ صباغ‌کرمانی، مجید و وحید شقاقی‌شهری (۱۳۸۷)، "بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد" ، انتشارات شرکت مطبوعات.

قنبری، محمد (۱۳۹۳)، ریشه‌های فساد مالی و اقتصادی در جامعه، *فصلنامه حقوق و اقتصاد*، دوره جدید، شماره ۳.

کریمی‌پتانلار ، سعید و محمد بابازاده (۱۳۹۰)، "اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۱۹، شماره ۵۷، صص ۱۷۰-۱۵۷.

کریمی‌پتانلار، سعید، بابازاده، محمد و نعیمه حمیدی (۱۳۹۱)، "اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت"، *فصلنامه اقتصادی*، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۵۶-۱۴۱.

کمیجانی ، اکبر(۱۳۸۲)، *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، چاپ اول.

Alesina, A. (1998), the Polical Economy of High and Low Growth, in Annual World Bank Conference on Development Economics (1997), Washington D. C. World Bank.

Alesina, Alberto & Roberto Perotti (1995), Political Economy of Budget Deficits International Monetary Fund, Staff, Papers–International Monetary, Washington: March, Vol. 42, IISS, 1.

Alsina, Alberto, & Roberto Perotti (1998), Budget Deficit & Budget Institutions, Given of: www. Translate. google.com.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

Andving, Jens Chr (2000), Odd Helg? Amundsen, Tone Sissener and Tina Soreid, "Research Corruption: A Policy Oriented Survey" Chr, Michelson Institute & Norwegian Institute of international Affairs, December.

Clague, C.; Keefer, P.; Knack, S. & M. Olson (1996), Property and Contract Right in Autocracies and Democracies, *Journal of Economic Growth*, Vol. 1, No. 2, PP. 243-267.

Clague, C. (Ed.) (1997), Institutions and Economic Development: Growth and Governance in Less-Developed and Post-Socialist Countries, Baltimore and London: the John Hopkins University Press.

Fagbadebo, Omololu (2007), "Corruption, Governance and Political Instability in Nigeria", *African Journal of political Science and International Relations*, Vol. 1, 2, PP. 28-37, available online at http://www.academicjournals.org/ Agpsir.

Hessami, Zohal (2014), "Political Corruption, Public Procurement and Budget Composition: Theory and Evidence from OECD Countries", *European Journal of Political Economy*, Vol. 34, PP. 372–389.

Kaufmann, D.; Kraay, A. & P. Zoido-Lobaton (1999), *Governance Matters, Development Economics Research Group*, Washington, D. C.: World Bank .

Kaufmann, Daniel; Art, Kraay &; Zoido, Pablo & Loba Ton (1999a), "Aggregating Governance Indicators", Policy Research Working Paper, No. 2195, World Banks, Policy Research Department, Washington D. C. Available at http://www.worldbank.org/wbi/governance/3-a.

Kaufmann, Daniel & Kraay, Art & Massimo Mastrazzi (1999b), "Governance Matters", World Bank Policy Research Working Paper, No. 2196, Washington, D. C.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Art & Massimo Mastrazzi (2002), "Governance Matters II- Updated Indicators for 2000/01", World Bank Policy Research Working Paper, No .2772, Washington D.C.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2004), "Governance Matters III: Governance Indicators for 1996, 1998, 2000, and 2002", *World Bank Economic Review*, Vol. 18, PP. 253-287.

Kaufmann, Daniel; Aart, Kraay & Massimo Mastruzzi (2005), "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004, World Bank Policy Research, Working Paper No. 3630, Washangton D. C.

Kaufmann; D.; Karry, A. & M. Mastruzz (2006), Governance Matters" V: Governance Indicators for 1996, December.

Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2006a), "Measuring Governance Using Perceptions Data", in Susan Rose-Ackrman, Ed. HandBook of Economic Corruption, Edward Elgar.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2006b), "Governance Matters V.: Aggregate and Indicidual Governance Indicators for 1996-2005", World Bank Policy Research, Working Paper, No. 4012. Washington, D.C.

Kaufmann, D. & A. Kraay (2007), "Governance Indicators: Where are We, Where Should We Be Going? Global Governance Group", Policy Research Working Papers, No. 4370, Washington D. C.: World Bank.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2007a), "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics", World Bank Policy Research Working Paper, No. 4149, Washington D.C.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2007b), "Growth and Governance: a Reply/Rejoinder", *Journal of Politics*, Vol. 69, No. 2, PP. 555-562.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Massimo Mastruzzi (2007c), "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996-2005", World Bank Policy Research, Working Paper, No. 4280, Washington, D.C.

Kaufmann, Daniel; Karaay, Aart & Massimo Mastruzzi (2008), "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators (1996-2006)", World Bank.

Kaufmann, Daniel; Kraay, Art & Massimo Mastrazzi (2008), "Governance Matters VII: Aggregrate and Individual Governance Indicators", (1996-2007), World Banks Institute, June.

Keefer, P.; Knack. S & M. Olson. (1996), Property and Contract Rights in Autocracies and Democracies, *Journal of Economic Growth*, Vol. 1, PP. 243-276.

Kirchgaessner, G. (2001), the Effect of Fiscal Institution on Public Finance, CE Sifo Working Papers 617.

Policy Research Working Paper, No. 4, P. 280.

Khan, Mushtaq (1996): "A typology of Corrupt Transactions in Developing Countries", IDS Bulletin, Vol. 8, No. 5.

Keefer, P.; Knack, S. & M. Olson (1996), Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies, Vol. 1, PP. 243-276.

Khan, Mushtaq (1996), "A Typology of Corrupt Transactions in Developing Countries", *IDS Bulletin*, Vol. 8, No. 5.

knack, S. (Ed.) (2003), *Democracy, Governance and Growth*, Ann Arbor: The University of Michigan Press.

Knack, S. & P.keefer, (2003), Does Social Capital ave an Economic Payoof: *A Cross Country Emprical Investigation*, in knack, S. (E. d.), Democracy Governance and Growth, Ann Arbor: The University of Michigan Press.

Koufmann, D; Kraay, A. & M. Matruzzi (2003), "Governance Matter III: Governance Indicators for 1996-2002", Policy Research Working Paper, No. 3106, The World Bank.

Ostrom, Elinor & T. K. Ahn (2003), *Foundation of Social Capital*, Hard Cover.

Ratbek Dzhumashev (2014), Corruption and Growth: The Role of Governance, Public, Spending and Economic Development, *Economic Modelling*, Vol. 37, PP. 202–215.

Rose, Ackerman, Rose (1978), "Corruption, a Study in Political Economy," London/ New York: Academic Press", *Jornal of Public Sector Management*, No. 5, Vol. 12.

Samuel, P. Huntington (2006), "Modernization and Corruption", in Heidenheimer, op.cit.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]

Schugurenky, Daniel (2004), *Participatory Budget, a Tool for Democratizing Democracy* Talk Given at The Meeting "Some Assembly Required", Case of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall: April 29.

Timmons, Jeffrey. F. &. Francisco Garfias (2015), "Revealed Corruption, Taxation, and Fiscal Accountability: Evidence from Brazil", World Development, Vol. 70, PP. 13–27.

Tongri, Kristoffer, "Good Governance in Botswana: What Shaped the Designe of Botswana`s institutions and how did they Affect the Country`s Economic Growth since it`s Independence?", University Konstanz, September.

www.worldbank.org

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-25]